

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

گزارش ملی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری ج.ا.ا. برای ارائه در کنفرانس مقدماتی زیر منطقه‌ای جنوب، جنوب غربی و آسیای مرکزی

رویارویی با چالش‌های جهانی و بومی: پویایی نوین برای آموزش عالی

۲۵-۲۶ فوریه ۲۰۰۹

هندوستان

تهیه‌کنندگان: حمید جاودانی و

مقصود فراستخواه

اسفند ماه ۱۳۸۷

سرآغاز

ایران زمین با دیرینه‌ای چند هزار ساله، با حدود ۱/۶۵ میلیون کیلومتر مربع مساحت، بخش بزرگی از فلات ایران را دربر می‌گیرد. این سرزمین با توجه به موقعیت جغرافیایی خود، به رغم این که در طول تاریخ مورد هجوم‌های بنیان کنی قرار گرفته است، توانسته است در توسعه تمدن بشری نقش اساسی ایفا کند؛ به گونه‌ای که توانسته است نقشی اساسی خود را همواره در منطقه حفظ کند.

ویژگی‌های جغرافیایی، جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی

الف - ویژگی‌های جغرافیایی

ایران زمین در داخل کمربند بیابانی نیمکره شمالی و در قسمت غربی فلات ایران واقع شده است. بخشی گسترده‌ای از نواحی مرکزی ایران در حصار کمربند بزرگ کوهستانی قرار گرفته که در برگرنده بیابانهای خشک، شوره‌زار و کویر است. بزرگترین این بیابانها، دشت کویر در جنوب کوههای البرز و دشت لوت در جنوب شرقی ایران قرار دارند.

از حدود ۱۶۵ میلیون هکتار مساحت کل کشور، حدود ۵۱ میلیون هکتار (۳۱ درصد) قابل استفاده برای کشاورزی و بقیه یعنی ۱۱۴ میلیون هکتار (۶۹ درصد) زیر پوشش مراکز شهری و روستایی، جاده‌ها، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، زمین‌های غیرقابل کشت و کوههاست.

ایران تحت تأثیر عوامل گوناگونی، به ویژه ویژگی‌های جغرافیایی، از آب و هوای متنوعی برخوردار است. به طوریکه می‌توان آن به چهار قسمت آب هوایی تقسیم کرد: شمالی، غربی، مرکزی و جنوبی.

آب و هوای قسمت شمالی که کناره‌های جنوبی دریای خزر را شکل می‌دهند، آب و هوایی معتدل و مدیترانه‌ای است که از بیشترین میزان بارندگی و درجه گرمای معتدل برخوردار است.

آب و هوای کوهستانهای غربی، که ارتفاعات از نفوذ جریان هوایی نمناک بدان جلوگیری می‌کنند نسبتاً سرد و برخوردار از بارش برف و باران است.

آب و هوای فلات مرکزی، بیابانی است و برخوردار از اختلاف شدید در شب و روز و در تابستان و زمستان است.

آب و هوای کناره‌های جنوبی ایران که در حاشیه خلیج فارس قرار دارند دارای تابستانهای گرم و زمستانهای معتدل و نمناک است.

این وضعیت آب هوایی، موجب تنوع زیاد به لحاظ زیست بومی و تولیدات کشاورزی و

دامپروری شده است. به علاوه این تنوع زمینه بسیار مطلوبی را برای گردشگری فراهم می‌آورد. موقعیت جغرافیایی نسبتاً بی نظیر ایران در منطقه، از جمله دستیابی به دریاهاى آزاد که از جمله عوامل مؤثر در توسعه به شمار می‌آید، از جمله برتری‌های کلیدی کشور ما به شمار می‌آید. مرز آبی ۱۸۸۰ کیلومتری در جنوب، نه تنها امکان برقراری ارتباط با کشورهای مختلف جهان را فراهم آورده است، بلکه زمینه را برای بهره‌داری از منابع دریایی گیاهی، جانوری و کانی نیز فراهم آورده است. دریای خزر، در بخش شمالی ایران نیز به ویژه پس از استقلال کشورهای همسایه منطقه امکانات بالقوه سترگی را برای پویایی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گشوده است. بخش گسترده‌ای از ذخایر کانی ایران علاوه بر تأمین مصارف داخلی، به دیگر کشورها صادر می‌شوند. در مورد نفت و گاز، ایران یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌رود به طوریکه دومین ذخایر گاز را در جهان داراست.

ب - بافت جمعیت شناختی و نیروی انسانی

جمعیت ایران در خلال سالهای ۸۵-۱۳۵۵ از ۳۳۷۰۸ هزار نفر به ۷۰۴۹۶ هزار نفر افزایش می‌یابد. بدین ترتیب طی این دوره سی ساله از افزایش خالصی برابر ۳۶۷۸۸ هزار نفر و نرخ رشد سالانه‌ای برابر با ۲/۴۹ درصد برخوردار می‌گردد.

شمار جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر کشور در خلال سالهای ۸۵-۱۳۵۵ با ۱۵۹ درصد افزایش از ۲۳۰۰۲ هزار نفر به ۵۹۵۲۳ هزار نفر رسید. شمار جمعیت فعال نیز طی همین مدت با ۱۴۰ درصد افزایش از ۹۷۹۶ هزار نفر به ۲۳۴۶۹ هزار نفر ازدیاد یافت که این آهنگ کندتر ازدیاد جمعیت فعال عمدتاً معلول تحولات چشمگیری است که در زمینه اشتغال به تحصیل جمعیت به خصوص در سطوح آموزشهای دبیرستان و دانشگاهی پدید آمده است. آموزشهایی که افزون بر ارتقای سطح کیفی منابع انسانی این فرصت را برای بازار کار و جامعه فراهم آورده تا با گذشت زمان شاهد ورود نیروی کار دانش آموخته‌تری به عرصه فعالیت‌های اقتصادی شود.

جمعیت ۱۵-۲۹ ساله که اصولاً خاستگاه نزدیک به تمامی عرضه جدید نیروی کار کشور است. در خلال سالهای ۸۵-۱۳۵۵ با روند شتابانی افزایش می‌یابد. شمار آن در این فاصله از ۸۵۰۴ هزار نفر به ۲۴۹۶۳ هزار نفر و سهم آن در ترکیب جمعیت کشور از ۲۵/۲۳ درصد به ۳۵/۴۱ درصد تحول پیدا می‌کند و بدین ترتیب حدود ۱۶۴۵۹ هزار نفر نیروی کار جدید را که حدود ۷/۴۴ درصد از کل ۳۶۷۸۸ هزار نفر افزایش خالص این دوره کشور می‌شود، دربر می‌گیرد.

جدول ۱: تحولات جمعیت شناختی رده‌های سنی در سالهای ۸۵-۱۳۵۵

ساختار (درصد)				جمعیت (هزار نفر)				سال
۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	
۲۵/۰۸	۳۹/۵۱	۴۵/۴۵	۴۴/۵۳	۱۷۶۸۲	۲۳۷۲۶	۲۲۴۷۴	۱۵۰۰۹	کمتر از ۱۵ سال
۷۴/۹۲	۶۰/۴۹	۵۴/۵۵	۵۵/۴۷	۵۲۸۱۴	۳۶۳۲۹	۲۶۹۷۱	۱۸۶۹۹	۱۵ سال و بالاتر
۳۵/۴۱	۲۸/۳۸	۲۶/۳۷	۲۵/۲۳	۲۴۹۶۳	۱۷۰۴۶	۱۳۰۳۸	۸۵۰۴	۱۵-۲۹ سال
۲۰/۶۶	۱۷/۲۶	۱۳/۵۵	۱۴/۸۴	۱۴۵۶۴	۱۰۳۶۴	۶۷۰۰	۵۰۰۲	۳۰-۴۴ سال
۱۳/۶۶	۱۰/۴۸	۱۱/۵۴	۱۱/۸۸	۹۶۳۰	۶۲۹۲	۵۷۰۷	۴۰۰۶	۴۵-۶۴ سال
۵/۱۹	۴/۳۷	۳/۰۹	۳/۵۲	۳۶۵۶	۲۶۲۷	۱۵۲۶	۱۱۸۷	۶۵ سال و بیشتر
-	-	-	-	۷۰۴۹۶	۶۰۰۵۵	۴۹۴۴۵	۳۳۷۰۸	جمع

از دیدگاه سواد و آموزش ساختار جمعیت شاغل کشور به گونه‌ای چشمگیر بهبود یافته است. شمار شاغلین بیسواد کشور در فاصله سالهای ۵۵-۱۳۸۵ از ۵۲۱۹ هزار نفر به ۲۴۹۵ هزار نفر و نسبت شاغلین بیسواد از ۵۹/۳ درصد به ۲/۱۲ درصد کاستی گرفته است.

گسترش چشمگیر امکانات آموزشی کلاسیک، مبارزه با بیسوادی از یکسو و مطرح شدن باسوادی به عنوان پیش نیاز استخدام بخصوص در بخش دولت در کاهش بیسوادی نقش مؤثری داشته است.

با تغییر آهنگ رشد جمعیت و در نتیجه دگرگونی‌هایی که در ساختمان سنی - جنسی جمعیت کشور پدید می‌آید، عرضه نیروی کار نیز دستخوش تحول می‌شود. شمار جمعیت بالقوه فعالی (۱۵-۶۴ سال) به موازات گذشت زمان ازدیاد می‌گیرد ساخت و ترکیب آن به تدریج رو به جوانی می‌گذارد.

جدول شماره ۲: تحولات جمعیت شناختی افراد شاغل به تفکیک دوره‌های تحصیلی (به هزار نفر)

زن		مرد		مرد و زن		سواد
۱۳۸۵	۱۳۵۵	۱۳۸۵	۱۳۵۵	۱۳۸۵	۱۳۵۵	
۲۱۵۳	۸۳۴	۲۱۵۲	۴۳۸۵	۲۴۹۵	۵۲۱۹	بیسواد
۲۴۴۰	۳۷۸	۱۵۵۴۲	۳۲۰۲	۱۷۹۸۲	۳۵۸۰	باسواد
۱۴۳	۱۲	۷۶۶	۴۵۸	۹۰۹	۴۷۰	تحصیلات غیررسمی
۳۶۲	۷۸	۳۶۷۳	۸۱۰	۴۰۳۶	۸۸۸	ابتدایی
۲۵۵	۳۷	۴۰۸۷	۹۱۸	۴۳۴۲	۹۵۵	راهنمایی
۶۶۰	۱۸۸	۴۷۱۹	۸۰۷	۵۳۷۹	۹۹۵	متوسطه و پیش‌دانشگاهی
۱۰۲۰	۶۳	۲۲۹۶	۲۰۵	۳۳۱۶	۲۶۸	عالی
-	-	-	۴	-	۴	مدرک اظهار نشده
۲۷۸۲	۱۲۱۲	۱۷۶۹۴	۷۵۸۷	۲۰۴۷۶	۸۷۹۹	جمع

طی یک دوره ۳۰ ساله منتهی به سال ۱۳۸۵، ۱۱۶۷۷ هزار نفر بر شمار جمعیت شاغل کشور افزوده می‌شود و در نتیجه آن تعداد جمعیت شاغل از ۸۷۹۹ هزار نفر به ۲۰۴۷۶ هزار نفر می‌رسد که بیانگر نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۲/۸۶ درصد است.

حدود ۸۵/۱ درصد یا به طور خالص معادل ۹۹۳۴ هزار از این فرصت اشتغال جدید به مناطق شهری اختصاص می‌یابد. علاوه بر این با وجود همه تحولات و دگرگونیهای شگرفی که طی این سه دهه در زمینه تجهیز زنان به سواد و آموزش صورت پذیرفته است، حدود ۱۰۱۰۷ هزار یا ۸۶/۶ درصد از این فرصتها به مردان کشور و فقط ۱۵۷۰ هزار یا ۱۳/۴ درصد آن به زنان تعلق می‌گیرد. از این ۱۱۶۷۷ هزار فرصت جدید شغلی، تقریباً حدود ۶ درصد یا نزدیک به ۶۹۵ هزار به فعالیتهای کشاورزی که عمدتاً ماهیت روستایی دارد تعلق می‌گیرد. ۲۹/۸ درصد یا حدود ۳۴۸۰ هزار از این فرصتهای جدید در فعالیتهای صنعتی تبلور می‌یابد و بقیه که برابر با ۷۵۰۲ هزار نفر یا ۶۴/۲ درصد می‌شود در فعالیتهای خدماتی محقق می‌شود. یعنی در حوزه‌هایی از کارکردهای اقتصادی که دولت در تأمین آن نقش بسیار گسترده‌تری دارد و تداوم بی‌وقفه جریان برونکوچی جمعیت روستایی و سرریز آنها به شهرها، با سرعت بخشیدن به روند شهرنشینی، بر ضرورت گسترش فعالیتهای خدماتی دامن می‌زند.

ایران در سه دهه اخیر گامهای بس ارزنده‌ای در زمینه تشکیل سرمایه انسانی برداشته و از این طریق توانسته است شمار دانش‌آموختگان عالی موجود در کشور را که در سال ۱۳۵۵، حدود ۲۸۳ هزار نفر بود تا سال ۱۳۸۵ به بیش از ۳۶۹۰ هزار نفر افزایش دهد و این به جز ۲/۵ میلیون

دانشجویانی است که هم اکنون در نظام دانشگاهی و مراکز عالی آموزشی کشور در حال تحصیل هستند.

عرضه نیروی کار دانش‌آموخته عالی طی سالهای ۵۵-۱۳۸۵، ۱۳/۲ برابر شده است و از ۲۷۹ هزار نفر به ۳۶۹۰ هزار نفر افزایش یافته است. حدود ۲۲۲۹ هزار که معادل ۶۵/۳ درصد از کل ۳۴۱۱ هزار نفر افزایش خالص نیروی کار دانش‌آموخته می‌شود فقط ظرف ده سال اخیر (۷۵-۱۳۸۵) و ۳۷/۴- درصد بقیه آن در دو دهه ۵۵-۱۳۷۵ محقق شده است. این بدان معناست که بازده سالانه نظام آموزش عالی در دهه اخیر، تقریباً به طور متوسط ۳/۸ برابر دو دهه پیشین بوده است.

جدول شماره ۳: تحول سهم و جایگاه دانش‌آموختگان شاغل در اشتغال کشور ۵۵-۱۳۸۵

سال	مرد و زن			مرد			زن		
	کل شاغلین	شاغلین عالی	سهم شاغلین عالی (درصد)	کل شاغلین	شاغلین عالی	سهم شاغلین عالی (درصد)	کل شاغلین	شاغلین عالی	سهم شاغلین عالی (درصد)
۱۳۵۵	۸۷۹۹	۲۶۸	۳/۰۵	۷۵۸۷	۲۰۵	۲/۷۰	۱۲۱۲	۶۳	۵/۲۰
۱۳۶۵	۱۱۰۰۲	۴۹۷	۴/۵۲	۱۰۰۲۶	۳۸۳	۳/۸۳	۹۷۵	۱۱۴	۱۱/۶۹
۱۳۷۵	۱۴۵۷۲	۱۴۰۳	۹/۶۳	۱۲۸۰۶	۱۰۱۴	۸/۹۲	۱۷۶۵	۳۸۹	۲۲/۴
۱۳۸۵	۲۰۴۷۶	۳۳۱۶	۱۶/۱۹	۱۷۶۹۴	۲۲۹۶	۱۲/۹۸	۲۷۸۲	۱۰۲۰	۳۶/۶۶

جدول شماره ۴: ساختار شغلی نیروی انسانی کشور (۸۵-۱۳۵۵)

گروههای عمده شغلی	تعداد (هزار نفر)		ساختار (درصد)	
	۱۳۵۵	۱۳۸۵	۱۳۵۵	۱۳۸۵
قانونگذاران و مقامات عالی‌رتبه	۴۰	۶۰۸	۰/۵	۳
متخصصین	۵۵۶	۱۹۲۳	۶/۳	۹/۴
تکنسین‌ها و دستیاران		۱۰۹۰		۵/۳
کارمندان اداری و دفتری	۴۳۸	۹۱۳	۵	۴/۵
کارکنان خدماتی و فروشندگان	۱۰۲۹	۲۶۰۲	۱۱/۷	۱۲/۷
کارکنان ماهر کشاورزی	۲۹۸۴	۳۲۳۶	۳۳/۹	۱۵/۸
صنعتگران	۳۷۵۲	۴۰۴۲	۴۲/۶	۱۹/۷
متصدیان، مونتاژکاران		۲۴۰۲		۱۱/۷
کارگران ساده		۲۵۶۱		۱۲/۵
سایر کارگران		۱۰۹۹		۵/۴
جمع	۸۷۹۹	۲۰۴۷۶	۱۰۰	۱۰۰

با توجه به جمعیت ۷۰/۵ میلیون نفری سال ۱۳۸۵، پیش‌بینی می‌شود که جمعیت کشور تا سال ۱۳۸۸ (پایان برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی) به حدود ۷۳/۵ تا ۷۴ میلیون نفر برسد. چون باروری و نرخ رشد طبیعی جمعیت همچنان در حال کاهش است روند متراکم‌تر شدن جمعیت در مقاطع نسبی بالقوه فعالیت (۶۴-۱۵ ساله) که منبع تأمین و عرضه نیروی کار است در سه سال آتی نیز تداوم یابد و باعث شود شمار این بخش از جمعیت از حدود ۵۲/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ به ۵۶ میلیون نفر در سال ۱۳۸۸ برسد.

به موازات این تغییر ساختاری، حجم جمعیت فعال از ۲۳/۴ میلیون فعلی به ۲۶ میلیون ارتقاء می‌یابد بدین ترتیب ایران در طول سالهای ۸۸-۱۳۸۵، با ورود ۲/۶ میلیون نیروی کار جدید به عرصه فعالیت‌های اقتصادی روبرو خواهد شد.

طبق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران می‌باید تا افق ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) از طریق خلق فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمدها و اتکاء بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی به ارتقاء سطح اقتصادی و اشتغال کامل نایل آید. بر همین اساس است که در این سند تأکید شده در طول سالهای برنامه چهارم و برنامه پنجم (۸۴-۱۳۹۴) لازم است هر ساله ۹۱۹ هزار فرصت جدید شغلی ایجاد شود و بهره‌وری نیروی کار به میزان ۴/۲ درصد در سال افزایش یابد.

۳- محیط اقتصادی - اجتماعی

ایران زمین به دلیل برخورداری از دیرینه‌ای باستانی، تشکیل دولت در آن به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد. دخالت دولت در امور مختلف و از جمله امور اقتصادی که مربوط به دوره‌ای از رشد سرمایه‌داری در اروپاست ناشی از انباشت سرمایه و نیروی اقتصادی چشمگیر در دست شمار اندکی از افراد بود که در پی بدست آوردن حداکثر سود در این دوره هرگونه دخالت دولت در امور اقتصادی را نفی می‌کردند. گسترش چنین پنداره‌ای در سطح جهانی با شعار همسو دانستن سود سرمایه‌دار با منافع کل جامعه، موجب تقویت عدم دخالت دولت در امور اقتصادی و شرط توسعه اقتصادی پنداشته شد. نتیجه گسترش چنین گفتمانی، از یک سو، به انباشت ثروت‌های هنگفت شخصی در داخل هر کشور شد، و از سوی دیگر تمرکز ثروت در سطح جهانی به سود کشورهای انجمنی که از نظر فنی پیشرفته‌تر بودند.

چگونگی دخالت دولت در امور اقتصادی پس از انقلاب در ایران را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد.

دوره نخست از اوان انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی به درازا کشید که دخالت فزاینده دولت در امور اقتصادی را به همراه داشت.

دوره دوم، که همزمان با فروپاشی شوروی بود، موجب تقویت خصوصی سازی اقتصاد و به ویژه واگذاری مؤسسات دولتی به بخش خصوصی، بی توجه به پیشینه این بخش و بایسته های موفقیت آن شد که موجب پدیدار شدن تورمی افسار گسیخته در سال ۱۳۷۴ [نرخ تورم بیش از ۵۰ درصد] و بحران بازپرداخت اصل و بهره بدهی های خارجی کشور افزون بر سی میلیارد دلار شد. این در حالی بود که به موجب اصل چهل و چهارم قانون اساسی کشور، ستون فقرات اقتصاد کشور، به ترتیب، بخش دولتی و بخش تعاونی به شمار می رفتند و بخش خصوصی به مثابه مکمل دو بخش یاد شده تلقی می شود.

چنین وضعیتی موجب برانگیختن اندیشه ساماندهی اقتصاد کشور بر مبنای راهبردها و سیاست هایی شد که به تصویب هیأت وزیران و عالیترین مقامات اجرایی کشور یعنی مقام رهبری نیز رسید که عبارت بودند از:

۱- نگاه اقتصادی - اجتماعی به امور اقتصادی (نه اقتصادی صرف).

۲- اولویت عدالت اجتماعی.

۳- مشارکت مردم.

۴- اهمیت و فوریت امر اشتغال.

۵- امکان دسترسی همگان به فرصت ها و امکانات عمومی و اقتصادی.

۶- ایجاد امنیت و اطمینان برای سرمایه گذاری.

۷- کاستن از بار تصدی دولت.

۸- اجرای کامل قانون عملیات بانکی بدون ربا.

بر مبنای چنین راهبردها و خط مشی هایی چالش های اساسی پیش روی کشور را می توان به

شرح زیر توصیف کرد:

- تأمین اشتغال و کاهش نرخ بیکاری؛
- تأمین منابع برای سرمایه گذاری و رشد تولید؛
- انحصارات اقتصادی و قوانین و مقررات بازدارنده برای سرمایه گذاری و تولید؛
- ساختار بودجه عمومی دولت و وابستگی شدید آن به درآمد صدور نفت خام؛

- تورم؛
 - حفظ قدرت خرید مردم و تأمین حداقل معیشت آنها
 - تراز پرداخت ارزی کشور.
- روشن است که دو چالش نخست، یعنی تأمین اشتغال و تأمین منابع، به ویژه منابع انسانی، ارتباط مستقیمی با راهبردها و سیاست‌های آموزش عالی کشور خواهند داشت.
- این راهبردها و خط‌مشی‌ها در پیوند با سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، سیاست‌های کلی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور اهداف دوازده گانه زیر را دنبال می‌کند.

- بسترسازی برای تسریع رشد اقتصادی؛
- تعامل با اقتصاد جهانی؛
- رقابت‌پذیری اقتصادی؛
- توسعه مبتنی بر دانایی؛
- حفظ محیط زیست؛
- آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای؛
- ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی؛
- ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی؛
- توسعه فرهنگی؛
- امنیت ملی؛
- توسعه امور قضایی؛
- و نوسازی دولت و ارتقای اثربخشی حاکمیت که تحقق آنها مبتنی بر توسعه دانایی است، نقشی محوری ایفا می‌کند.

نگاهی کلی به نظام آموزش عالی ایران

اگر چه آموزش در ایران زمین، دیرینه‌ای به بلندای تاریخ این سرزمین باستانی دارد که اثرات مستقیم و غیر مستقیم آن را می‌توان در سیر تحول تاریخ علوم و تمدن بشری آشکارا دید، اما

دیرینه دانشگاه به مفهوم امروزی آن، به مثابه دوره سوم تحصیلات رسمی، به حدود یک سده پیش باز می‌گردد.

نظام آموزش عالی ایران به دو بخش دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شود. بخش دولتی، شامل دانشگاه های دولتی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه پیام نور، دانشگاه جامع علمی- کاربردی و دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به دستگاه های اجرایی است. بخش غیردولتی نیز دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی- غیرانتفاعی، مراکز آموزش علمی- کاربردی و مؤسسات آموزش عالی آزاد را در بر می‌گیرد.

در سال ۱۳۸۶، در مجموع، تعداد ۱۷۹۵ دانشگاه و مرکز آموزش عالی، اعم از دولتی و غیردولتی، در کشور فعال بوده که تعداد ۱۲۰۰ دانشگاه و مرکز آموزش عالی (۶۶/۸۵ درصد) به بخش دولتی و تعداد ۵۹۵ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی (۳۳/۱۵ درصد) به بخش غیردولتی آموزش عالی اختصاص داشته است. از بین کل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی، تعداد ۸۷ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، و تعداد ۶۹ دانشگاه و مرکز آموزش عالی وابسته به سایر وزارتخانه‌ها و نهادهای عمومی بوده است. علاوه بر این، دانشگاه جامع علمی- کاربردی، با ۴۴۸ مرکز، دانشگاه پیام نور با ۴۸۸ مرکز و واحد و آموزش و پرورش با ۱۰۸ آموزشکده فنی- حرفه‌ای و ۹۷ مرکز تربیت معلم به فعالیت در سطح آموزش عالی در کشور اشتغال داشته‌اند. از بین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی نیز تعداد ۳۹۵ مرکز و واحد آموزش عالی به دانشگاه آزاد اسلامی و تعداد دویست مرکز و مؤسسه به سایر مؤسسات آموزش عالی غیردولتی اختصاص داشته‌است.

روش‌های عرضه آموزش عالی در ایران در برگیرنده دوره های حضوری، نیمه حضوری، غیرحضوری (الکترونیکی)، روزانه، شبانه، آموزش عالی آزاد، آموزش عالی علمی- کاربردی، فراگیر و پودمانی است.

بافت جمعیت شناختی دانشجویی و اعضای هیأت علمی ایران

در این قسمت آخرین وضعیت دانشجویان و اعضای هیأت علمی که مربوط به سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ است به تصویر کشیده می‌شوند. وضعیت دانشجویی کشور بر مبنای شمار ثبت‌نام شدگان، دانشجویان و دانش‌آموختگان در جدول‌های شماره ۵ تا ۷ بازتاب یافته‌اند.

چنانکه در جدول ۵ آمده، در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، تعداد کل ثبت‌نام شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی، به جز ثبت‌نام ثبت‌نام‌شدگان دانشگاه جامع علمی-کاربردی و دانشگاه آزاد اسلامی، بالغ بر ۶۵۵۷۹۷ نفر بوده که دوره تحصیلی کارشناسی با ۵۲۷۱۷۲ نفر (۸۰/۳۹ درصد) و دوره تحصیلی دکتری حرفه‌ای با ۵۲۶۳ نفر (۰/۸ درصد) به ترتیب بیشترین و کمترین پذیرفته شده را داشته‌اند. همچنین از بین گروه‌های تحصیلی، بیشترین تعداد پذیرفته شده با ۲۸۲۸۳۳ نفر (۴۳/۱۳ درصد) به گروه علوم انسانی و کمترین آن با ۲۵۶۴۸ نفر (۳/۹۱ درصد) به گروه هنر اختصاص داشته است.

جدول ۵: تعداد ثبت‌نام‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی کشور به تفکیک گروه و

دوره تحصیلی در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

دوره تحصیلی	گروه تحصیلی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری حرفه‌ای	دکتری تخصصی	جمع
پزشکی	۱۱۸۱۰	۵۳۳۹۰	۱۳۰۱	۴۸۳۵	۳۰۱۲	۷۴۳۴۸
علوم انسانی	۲۰۳۰۲	۲۴۹۸۴۰	۱۱۸۶۹	۰	۸۲۲	۲۸۲۸۳۳
علوم پایه	۲۱۲	۶۹۸۱۰	۶۱۷۶	۰	۶۴۶	۷۶۸۴۴
فنی-مهندسی	۳۸۵۴۰	۱۰۹۲۶۷	۸۹۶۸	۰	۸۶۵	۱۵۷۶۴۰
کشاورزی و دامپزشکی	۳۷۸۶	۳۱۵۹۳	۲۳۶۸	۴۲۸	۳۰۹	۳۸۴۸۴
هنر	۱۱۱۱۷	۱۳۲۷۲	۱۲۰۶	۰	۵۳	۲۵۶۴۸
جمع	۸۵۷۶۷	۵۲۷۱۷۲	۳۱۸۸۸	۵۲۶۳	۵۷۰۷	۶۵۵۷۹۷*

* به جز ثبت‌نام‌شدگان دانشگاه جامع علمی-کاربردی و دانشگاه آزاد اسلامی

در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، تعداد کل دانشجویان کشور، اعم از دولتی و غیر دولتی، بالغ‌بر ۳۳۹۱۸۵۲ نفر بوده که بیشترین تعداد دانشجویان با ۲۴۰۷۷۹۸ نفر (۷۰/۹۹ درصد) در دوره تحصیلی کارشناسی و کمترین آن با ۲۷۱۹۰ نفر (۰/۸ درصد) در دوره تحصیلی دکتری تخصصی به تحصیل اشتغال داشته‌اند. علاوه بر این، در بین گروه‌های تحصیلی، بیشترین تعداد دانشجو به گروه علوم انسانی با ۱۵۱۶۰۵۴ نفر (۴۴/۷ درصد) و کمترین آن به گروه هنر با ۱۴۰۸۲۲ نفر (۴/۱۵ درصد) تعلق داشته است (جدول ۶ را ببینید)

جدول ۶: تعداد دانشجویان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیر دولتی کشور به تفکیک گروه

و دوره تحصیلی در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

گروه تحصیلی	دوره تحصیلی	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری حرفه‌ای	دکتری تخصصی	جمع
پزشکی	۴۴۷۸۶	۱۱۹۱۴۷	۳۰۶۶	۳۷۵۰۳	۹۹۳۴	۲۱۴۴۳۶	
علوم انسانی	۲۱۳۱۸۹	۱۲۲۹۸۸۶	۶۷۰۴۴	۰	۵۹۳۵	۱۵۱۶۰۵۴	
علوم پایه	۱۴۴۴۹	۳۰۲۴۳۷	۲۳۳۲۸	۰	۴۰۷۴	۳۴۴۲۸۸	
فنی-مهندسی	۳۶۶۲۹۸	۵۷۲۸۸۰	۳۶۴۳۸	۰	۴۴۲۱	۹۸۰۰۲۷	
کشاورزی و دامپزشکی	۴۷۸۲۶	۱۲۸۶۹۵	۱۱۳۹۳	۵۸۷۴	۲۴۲۷	۱۹۶۲۱۵	
هنر	۸۰۳۳۴	۵۴۷۵۳	۵۳۳۶	۰	۳۹۹	۱۴۰۸۲۲	
جمع	۷۶۶۸۸۲	۲۴۰۷۷۹۸	۱۴۶۶۰۵	۴۳۳۷۷	۲۷۱۹۰	۳۳۹۱۸۵۲	

مطابق جدول ۶، تعداد کل دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور، در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، به جز دانش‌آموختگان دانشگاه پیام نور و دانشگاه‌های علوم پزشکی وابسته به وزارت بهداشت، بالغ بر ۲۹۹۹۲۶ نفر بوده که دوره تحصیلی کارشناسی با ۱۵۸۸۳۲ نفر (۵۲/۹۶ درصد) در رتبه اول و دوره دکتری حرفه‌ای با ۱۳۳۳ نفر (۰/۴۴ درصد) در رتبه ششم از بین دوره‌های تحصیلی قرار داشته است. همچنین بیشترین تعداد دانش‌آموختگان به گروه علوم انسانی با ۱۲۸۵۸۸ نفر (۴۲/۸۷ درصد) و کمترین آن با ۱۰۴۹۸ نفر (۳/۵ درصد) به گروه پزشکی تعلق داشته است.

جدول ۷: تعداد دانش‌آموختگان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیر دولتی کشور به تفکیک گروه و

دوره تحصیلی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

گروه تحصیلی	دوره تحصیلی	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری حرفه‌ای	دکتری تخصصی	جمع
پزشکی	۴۶۰۳	۴۷۲۳	۱۲۰	۹۷۹	۷۳	۱۰۴۹۸	
علوم انسانی	۳۸۹۷۰	۸۱۳۲۱	۷۷۱۳	۰	۵۸۴	۱۲۸۵۸۸	
علوم پایه	۴۲۵۹	۲۱۱۳۰	۳۶۱۸	۰	۳۴۹	۲۹۳۵۶	
فنی-مهندسی	۵۲۳۷۳	۳۴۷۱۲	۶۲۹۹	۰	۳۱۸	۹۳۷۰۲	
کشاورزی و دامپزشکی	۷۷۴۴	۱۲۷۴۱	۱۵۱۳	۳۵۴	۲۷۸	۲۲۶۳۰	
هنر	۹۷۳۱	۴۲۰۵	۱۱۸۰	۰	۳۶	۱۵۱۵۲	
جمع	۱۱۷۶۸۰	۱۵۸۸۳۲	۲۰۴۴۳	۱۳۳۳	۱۶۳۸	۲۹۹۹۲۶*	

* به جز دانش‌آموختگان دانشگاه پیام نور و دانشگاه‌های علوم پزشکی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

همچنین تعداد کل اعضای هیأت علمی تمام وقت دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیر دولتی در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، بالغ بر ۵۱۶۱۸ نفر بوده که از این تعداد، ۲۷۲۹۰ هیأت علمی (۵۲/۸۷ درصد) به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دولتی و تعداد ۲۴۳۲۸ هیأت علمی (۴۷/۱۳ درصد) به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی غیردولتی اختصاص داشته است. افزون بر این، تعداد ۴۵۸۵۰ عضو هیأت علمی حق التدریس نیز در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور به تدریس داشته اند که سهم بخش دولتی از این رقم ۱۳۱۹۴ (۲۸/۷۸ درصد) عضو هیأت علمی و سهم بخش غیردولتی از آن، تعداد ۳۲۶۵۶ (۷۱/۲۲ درصد) عضو هیأت علمی بوده است.

جدول ۸: تعداد هیأت علمی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی کشور به تفکیک مرتبه علمی و نوع استخدام در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

مرتبه علمی / نوع استخدام	استاد	دانشیار	استادیار	مربی	مربی آموزشیار	جمع
تمام وقت	۲۰۳۶	۳۷۴۲	۱۹۷۱۰	۲۵۴۱۷	۷۱۳	۵۱۶۱۸
حق التدریس	۶۰۴	۸۰۹	۵۹۸۸	۳۵۲۷۲	۳۱۷۷	۴۵۸۵۰
جمع کل	۲۶۴۰	۴۵۵۱	۲۵۶۹۸	۶۰۶۸۹	۳۸۹۰	۹۷۴۶۸

گفتنی است در سال ۱۳۸۶، که موضوع بحث این گزارش است، نظام آموزش عالی ایران موفق شده است تا شاخص‌های اصلی توسعه کمی بخش را در برنامه چهارم توسعه بهبود بخشد و در مواردی نیز فراتر از اهداف کمی پیش‌بینی شده در برنامه عمل کند؛ به طوری که پوشش آموزش عالی (به جمعیت ۱۸ تا ۲۴ ساله کشور) در سال ۱۳۸۶ نسبت به سال قبل از آن از ۲۲/۵ به ۲۵/۷۵ افزایش یافته و تعداد دانشجوی در هر یکصد هزار نفر جمعیت در سال ۱۳۸۵ از ۴،۰۰۰ نفر به ۴،۷۳۷ نفر در سال ۱۳۸۶ رسیده است. ضمن آنکه جمعیت دانشجویی کشور در بخش دولتی و غیردولتی در دوره های تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری حرفه‌ای و دکتری تخصصی، به ترتیب با رشدی معادل ۴/۰۹ درصد، ۲۶ درصد، ۲۴/۳۷ درصد، ۶/۰۴ درصد و ۲۳/۵ درصد، از ۷۳۶،۷۷۵ نفر در دوره کاردانی، ۱،۹۱۰،۹۵۴ نفر در دوره کارشناسی، ۱۱۷،۸۷۶ نفر در دوره کارشناسی ارشد، ۴۰،۹۰۷ نفر در دوره دکتری حرفه‌ای و ۲۲۰۱۶ نفر در دوره دکتری تخصصی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، به ترتیب به ۷۶۶،۸۸۲ نفر در دوره کاردانی، ۲،۴۰۷،۷۹۸ نفر در دوره کارشناسی، ۱۴۶،۶۰۵ نفر در دوره کارشناسی ارشد، ۴۳،۳۷۷ نفر در دوره دکتری حرفه‌ای و ۲۷،۱۹۰ نفر در دوره دکتری تخصصی در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ افزایش پیدا کرده است.

همچنین، در این سال برای تأمین و ارتقای هرم هیأت علمی، اقدامات عمده‌ای چون اعطای بورس تحصیلی دکتری داخل و خارج از کشور، جایابی دانش‌آموختگان بورسیه دوره دکتری و جذب هیأت علمی جدید از طریق استخدام سایر دانش‌آموختگان آموزش عالی کشور صورت گرفته است؛ به طوری که هیأت علمی تمام وقت دولتی و غیردولتی در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ نسبت به سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ با رشدی معادل ۱۴/۴۳ درصد از ۴۵،۱۱۰ نفر در سال ۸۶-۱۳۸۵ به ۵۱،۶۱۸ نفر در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ افزایش یافته است.

دسترسی دختران به آموزش عالی

به منظور تصویر نمایی کلی از وضعیت دسترسی دختران ایرانی به آموزش عالی، به مثابه یکی از اصلی‌ترین موتورهای توسعه کشور، شمار ثبت‌نام شدگان، دانشجویان، دانش‌آموختگان و زنان هیأت علمی در جدول‌هایی جداگانه ارائه خواهند شد.

ثبت‌نام شدگان دختر

در جدول‌های شماره ۹ تا ۱۴ شمار دختران که به آموزش عالی راه یافته‌اند به تفکیک بخش دولتی و غیر دولتی که در برگیرنده ثبت‌نام شدگان، دانشجویان و دانش‌آموختگان است ارائه می‌شود.

گفتنی است که شمار دانشجویان دختر که توانسته‌اند در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ به دوره‌های آموزش عالی بخش دولتی راه یابند ۲۴۷،۴۸۳ نفر بوده‌اند که ۴۱/۲۴ درصد از کل ثبت‌نام شدگان در این بخش را در برمی‌گیرند. شمار دخترانی که در همان سال توانسته‌اند به آموزش عالی بخش غیردولتی - به جز دانشگاه آزاد اسلامی - راه یابند ۲۹۳۰۳۴ نفر بوده‌اند که ۵۲/۱۱ درصد پذیرفته شدگان را در برمی‌گیرد.

جدول ۹: تعداد ثبت‌نام‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی به تفکیک جنسیت، گروه و دوره تحصیلی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۸۷

جمع		دکتری تخصصی		دکتری حرفه‌ای		کارشناسی ارشد		کارشناسی		کاردانی		دوره تحصیلی / گروه تحصیلی
کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	
۷۴۳۴۸	۳۸۵۱۲	۳۰۱۲	۱۲۷۹	۴۸۳۵	۲۷۴۵	۱۳۰۱	۷۰۷	۵۳۳۹۰	۲۵۶۶۷	۱۱۸۱۰	۸۱۱۴	پزشکی
۲۵۸۷۸۴	۱۰۷۰۳۸	۶۹۹	۲۵۶	۰	۰	۱۱۰۶۹	۵۲۰۹	۲۳۸۴۲۱	۹۷۳۵۶	۸۵۹۵	۴۲۱۷	علوم انسانی
۷۵۷۷۸	۳۲۰۴۷	۶۴۶	۳۰۴	۰	۰	۶۱۴۴	۳۲۹۴	۶۸۹۱۲	۲۸۳۸۶	۷۶	۶۳	علوم پایه
۱۳۴۸۴۸	۴۰۸۷۶	۸۶۵	۱۹۳	۰	۰	۸۸۸۰	۲۳۹۲	۹۸۲۸۲	۳۳۹۰۶	۲۶۸۲۱	۴۳۸۵	فنی - مهندسی
۳۷۶۱۰	۱۷۶۱۲	۳۰۹	۱۴۹	۴۲۸	۲۹۱	۲۳۶۸	۱۲۰۵	۳۱۲۰۶	۱۴۴۹۵	۳۲۹۹	۱۴۷۲	کشاورزی و دامپزشکی
۱۸۷۱۱	۱۱۳۹۸	۵۳	۱۸	۰	۰	۱۱۹۰	۶۵۰	۱۰۳۱۶	۵۵۲۰	۷۱۵۲	۵۲۱۰	هنر
۶۰۰۰۷۹*	۲۴۷۴۸۳	۵۵۸۴	۲۱۹۹	۵۲۶۳	۳۰۳۶	۳۰۹۵۲	۱۳۴۵۷	۵۰۰۵۲۷	۲۰۵۳۳۰	۵۷۷۵۳	۲۳۴۶۱	جمع

* به جز ثبت‌نام‌شدگان دانشگاه جامع علمی - کاربردی

جدول ۱۰: تعداد ثبت‌نام‌شدگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی غیردولتی به تفکیک جنسیت، گروه و دوره تحصیلی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۸۷

جمع		دکتری تخصصی		کارشناسی ارشد		کارشناسی		کاردانی		دوره تحصیلی / گروه تحصیلی
کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	
۲۴۰۴۹	۱۴۸۸۷	۱۲۳	۱۸	۸۰۰	۲۷۱	۱۱۴۱۹	۶۹۶۱	۱۱۷۰۷	۷۶۳۷	علوم انسانی
۱۰۶۶	۶۹۷	۰	۰	۳۲	۲۱	۸۹۸	۵۷۷	۱۳۶	۹۹	علوم پایه
۲۲۷۹۲	۸۳۳۴	۰	۰	۸۸	۱۷	۱۰۹۸۵	۴۲۸۹	۱۱۷۱۹	۴۰۲۸	فنی - مهندسی
۸۷۴	۵۴۶	۰	۰	۰	۰	۳۸۷	۲۲۲	۴۸۷	۳۲۴	کشاورزی و دامپزشکی
۶۹۳۷	۴۵۷۰	۰	۰	۱۶	۱۱	۲۹۵۶	۲۰۵۹	۳۹۶۵	۲۵۰۰	هنر
۵۵۷۱۸	۲۹۰۳۴	۱۲۳	۱۸	۹۳۶	۳۲۰	۲۶۶۴۵	۱۴۱۰۸	۲۸۰۱۴	۱۴۵۸۸	جمع

* به جز ثبت‌نام‌شدگان دانشگاه آزاد اسلامی

دانشجویان دختر

شمار دانشجویان دختر، در بخش دولتی، در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، که به تفکیک دوره و گروه آموزشی در جدول ۱۱ بازتاب یافته است، بیانگر آن است که ۸۱۴,۷۳۹ دانشجوی دختر یعنی ۴۱/۷۸ از کل دانشجویان در این مراکز به تحصیل مشغول هستند.

جدول ۱۱: تعداد دانشجویان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دولتی به تفکیک جنسیت، گروه و دوره تحصیلی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۸۷

دوره تحصیلی		گروه تحصیلی		کارדانی		کارشناسی		کارشناسی ارشد		دکتری حرفه ای		دکتری تخصصی		جمع	
کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن
۲۲۸۸۸	۳۱۹۲۰	۵۳۵۳۱	۹۸۴۲۲	۱۶۵۴	۲۸۰۷	۱۶۹۹۲	۲۹۶۶۶	۳۷۶۹	۹۸۷۸	۹۸۸۳۴	۱۷۲۶	۹۳			
۲۵۸۳۷	۴۹۹۳۱	۳۳۶۰۰	۸۲۷۰۱۵	۱۵۴۳۶	۳۲۷۹۳	۰	۰	۱۲۲۶	۳۹۳۳	۳۷۸۴۹	۹۱۳۶	۷۲			
۸۲۶	۱۵۸۸	۹۸۱۸۹	۲۲۱۴۸۲	۸۹۳۱	۱۶۶۹۶	۰	۰	۱۲۴۴	۳۲۰۵	۱۰۹۱۹	۲۴۲۹	۷۱			
۲۸۱۸۹	۱۰۷۲۶	۹۹۹۰۹	۳۱۴۸۱۴	۶۷۵۷	۲۶۶۶۵	۰	۰	۶۷۵	۳۸۶۸	۱۳۵۵۳	۴۵۲۶	۱۶			
۱۲۶۶۹	۲۹۳۶۴	۳۷۵۳۲	۷۰۴۴۴	۳۴۶۶	۶۸۴۶	۱۵۰۳	۲۴۷۳	۵۸۱	۱۶۷۲	۵۵۷۵۱	۱۱۰۷	۹۹			
۱۸۴۱۹	۲۵۰۸۹	۱۶۴۱۷	۲۷۹۹۷	۲۰۰۱	۳۷۱۴	۰	۰	۹۸	۳۲۸	۳۶۹۳۵	۵۷۱۲	۸			
۱۰۸۸۲	۲۴۵۱۶	۶۴۱۵۷	۱۵۶۰۱۷	۳۸۲۴۵	۸۹۵۲۱	۱۸۴۹۵	۳۲۱۳۹	۷۵۹۳	۲۲۸۸۴	۸۱۴۷۳	۱۹۴۹	۸۷۹			

شمار دانشجویان دختر در مراکز آموزش عالی غیر دولتی ۶۴۱,۴۸۰ نفر است که ۴۴/۴۹ درصد از دانشجویان این بخش را در برمی گیرند.

جدول ۱۲: تعداد دانشجویان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی غیردولتی به تفکیک جنسیت، گروه و دوره تحصیلی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۸۷

دوره تحصیلی		گروه تحصیلی		کاردانی		کارشناسی		کارشناسی ارشد		دکتری حرفه ای		دکتری تخصصی		جمع	
کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن

۴۱۷۴۳	۳۶۲۰۸	۵۶	۱۵	۷۸۳۷	۵۵۲۴	۲۵۹	۱۸۰	۲۰۷۲۵	۲۰۰۳۳	۱۲۸۶۶	۱۰۴۵۶	پزشکی
۶۰۲۳۸ ۲	۳۳۷۳۰ ۵	۲۰۰۲	۶۱۲	.	.	۳۴۲۵۱	۱۴۱۱۸	۴۰۲۸۷ ۱	۲۲۷۸۶ ۹	۱۶۳۲۵ ۸	۹۴۷۰۶	علوم انسانی
۱۰۱۳۱ ۷	۷۴۵۶۲	۸۶۹	۴۱۴	.	.	۶۶۳۲	۴۱۶۵	۸۰۹۵۵	۵۹۵۶۹	۱۲۸۶۱	۱۰۴۱۴	علوم پایه
۵۲۷۴۲ ۱	۱۱۰۲۴ ۶	۵۵۳	۷۴	.	.	۹۷۷۳	۱۷۰۰	۲۵۸۰۶ ۶	۵۰۴۸۵	۲۵۹۰۲ ۹	۵۷۹۸۷	فنی - مهندسی
۸۵۴۱۶	۳۶۹۶۸	۷۵۵	۱۶۸	۳۴۰۱	۶۰	۴۵۴۷	۱۶۱۷	۵۸۲۵۱	۲۹۱۴۶	۱۸۴۶۲	۵۹۷۷	کشاورزی و دامپزشکی
۸۳۶۹۴	۴۶۱۹۱	۷۱	۳۲	.	.	۱۶۲۲	۶۹۳	۲۶۷۵۶	۱۷۰۵۳	۵۵۲۴۵	۲۸۴۱۳	هنر
۱۴۴۱۹ ۷۳	۶۴۱۴۸ .	۴۳۰۶	۱۳۱۵	۱۱۲۳۸	۵۵۸۴	۵۷۰۸۴	۲۲۴۷۳	۸۴۷۶۲ ۴	۴۰۴۱۵ ۵	۵۲۱۷۲ ۱	۲۰۷۹۵ ۳	جمع

دانش آموختگان دختر

به موجب داده‌های جدول شماره ۱۳، شمار دانش آموختگان دختر بخش دولتی- به جز دانشگاه پیام نور و علوم پزشکی- در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، ۵۴,۴۷۵ نفر بوده است که ۴۹/۶۱ درصد کل دانش آموختگان این بخش را در برمی‌گیرد.

دانش آموختگان دختر بخش غیر دولتی در همین سال ۹۴,۶۱۱ نفر بوده است که تقریباً نسبت مشابهی با بخش دولتی دارد یعنی: ۴۹/۷۶ درصد از کل دانش آموختگان.

جدول ۱۳: تعداد دانش آموختگان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دولتی به تفکیک جنسیت، گروه و دوره تحصیلی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

جمع		دکتری تخصصی		دکتری حرفه ای		کارشناسی ارشد		کارشناسی		کاردانی		دوره تحصیلی / گروه تحصیلی
کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	
۲۸۱۳	۲۲۲۸	۶۸	۱۹	۱۴۰	۴۳	۹۱	۳۵	۲۷۳	۸۶	۲۲۴۱	۲۰۴۵	پزشکی
۳۶۲۱۵	۲۱۹۳۲	۳۴۹	۱۶۴	۰	۰	۴۲۱۰	۱۸۴۳	۲۴۸۵۵	۱۶۰۳۲	۶۸۰۱	۳۸۹۳	علوم انسانی
۱۳۸۹۱	۸۷۵۳	۲۸۱	۸۴	۰	۰	۲۸۳۹	۱۴۵۸	۱۰۶۴۵	۷۱۲۷	۱۲۶	۸۴	علوم پایه
۳۶۷۶۷	۹۳۸۳	۲۹۴	۲۹	۰	۰	۵۳۹۶	۱۲۰۵	۱۴۹۳۰	۴۲۴۸	۱۶۱۴۷	۳۹۰۱	فنی- مهندسی
۱۱۲۲۵	۵۸۳۵	۱۶۸	۵۹	۲۵۸	۱۴۰	۱۰۲۳	۴۹۸	۶۹۶۱	۴۰۵۰	۲۸۱۵	۱۰۸۸	کشاورزی و دامپزشکی
۸۸۹۸	۶۳۴۴	۲۸	۹	۰	۰	۷۸۰	۳۵۹	۳۰۳۶	۱۹۵۲	۵۰۵۴	۴۰۲۴	هنر
۱۰۹۸۰۹	۵۴۴۷۵	۱۱۸۸	۳۶۴	۳۹۸	۱۸۳	۱۴۳۳۹	۵۳۹۸	۶۰۷۰۰	۳۳۴۹۵	۳۳۱۸۴	۱۵۰۳۵	جمع

* به جز دانش آموختگان دانشگاه پیام نور و دانشگاه‌های علوم پزشکی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

جدول ۱۴: تعداد دانش آموختگان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی غیردولتی به تفکیک جنسیت، گروه و دوره تحصیلی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

جمع		دکتری تخصصی		دکتری حرفه ای		کارشناسی ارشد		کارشناسی		کاردانی		دوره تحصیلی / گروه تحصیلی
کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	
۷۶۸۵	۷۰۰۵	۵	۲	۸۳۹	۵۴۸	۲۹	۱۸	۴۴۵۰	۴۳۹۶	۲۳۶۲	۲۰۴۱	پزشکی
۹۲۳۷ ۳	۵۴۰۵۹	۲۳۵	۶۱	۰	۰	۳۵۰۳	۱۳۶۵	۵۶۴۶۶	۳۲۹۵۱	۳۲۱۶ ۹	۱۹۶۸ ۲	علوم انسانی
۱۵۴۶۵	۱۱۸۶۲	۶۸	۳۰	۰	۰	۷۷۹	۴۸۵	۱۰۴۸۵	۷۹۵۵	۴۱۳۳	۳۳۹۲	علوم پایه
۵۶۹۳۵	۱۴۲۸۰	۲۴	۱	۰	۰	۹۰۳	۱۲۸	۱۹۷۸۲	۴۰۰۸	۳۶۲۲ ۶	۱۰۱۴ ۳	فنی- مهندسی
۱۱۴۰ ۵	۳۶۶۴	۱۱۰	۸	۹۶	۰	۴۹۰	۱۲۵	۵۷۸۰	۲۱۵۴	۴۹۲۹	۱۳۷۷	کشاورزی و دامپزشکی
۶۲۵۴	۳۷۴۱	۸	۳	۰	۰	۴۰۰	۱۷۷	۱۱۶۹	۷۴۹	۴۶۷۷	۲۸۱۲	هنر
۱۹۰۱ ۱۷	۹۴۶۱۱	۴۵۰	۱۰۵	۹۳۵	۵۴۸	۶۱۰۴	۲۲۹۸	۹۸۱۳۲	۵۲۲۱۳	۸۴۴۹ ۶	۳۹۴۴ ۷	جمع

اعضای هیأت علمی زن

مجموعه بانوانی که به عنوان عضو هیأت علمی در مراکز آموزش عالی بخش دولتی- به جز دانشگاه علمی- کاربردی- به صورت تمام وقت به فعالیت مشغول هستند

۵,۱۱۲ نفرند که ۱۸/۷۳ درصد از استادان تمام وقت این بخش را در برمی گیرند.

در بخش غیر دولتی، وضعیت نسبتاً مشابهی را شاهد هستیم. به سخنی روشن تر ۵,۱۹۲ نفر یعنی برابر ۲۱/۳۴ درصد از اعضای علمی تمام وقت را بانوان تشکیل

می دهند.

جدول ۱۵: تعداد هیأت علمی تمام وقت دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دولتی به تفکیک جنسیت، مرتبه علمی، گروه و دوره تحصیلی در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

گروه تحصیلی	دوره تحصیلی		استاد		دانشیار		استادیار		مربی		مربی آموزشیار		جمع	
	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن
پزشکی	۵۳	۳۹۲	۱۰۰۲	۲۱۲	۴۸۹۸	۱۳۸۵	۲۴۶۴	۱۲۳۷	۱۰۱	۶۷	۲۹۵۴	۸۸۵۷		
علوم انسانی	۲۴	۲۴۶	۵۳۹	۵۵	۴۸۷	۳۱۷۳	۱۹۹۰	۳۸۱	۲۳	۸	۹۵۵	۵۹۷۱		
علوم پایه	۲۷	۳۴۱	۵۴۴	۴۶	۲۹۱	۲۰۲۴	۱۲۹۵	۲۶۷	۴۶	۱۱	۶۴۲	۴۲۵۰		
فنی- مهندسی	۶	۳۴۸	۶۹۵	۱۳	۸۹	۲۳۱۶	۱۶۲۱	۱۳۸	۳۳	۱	۲۴۷	۵۰۱۳		
کشاورزی و دامپزشکی	۵	۱۵۲	۳۳۰	۶	۵۹	۱۱۹۴	۸۴۸	۱۲۴	۱۴	۴	۱۹۸	۲۵۳۸		
هنر	۰	۱۲	۲۵	۳	۳۵	۲۰۵	۴۰۸	۷۶	۱۱	۲	۱۱۶	۶۶۱		
جمع	۱۱۵	۱۴۹۱	۳۳۵	۳۳۵	۲۳۴۶	۱۳۸۱۰	۸۶۲۶	۲۲۲۳	۲۲۸	۹۳	۵۱۱۲	۲۷۲۹		

جدول ۱۶: اعضای علمی مراکز آموزش عالی بخش غیر دولتی به تفکیک جنسیت، مرتبه علمی، دوره تحصیلی و نوع خدمت در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

نوع مرکز	مرتبه علمی		استاد		دانشیار		استادیار		مربی		مربی آموزشیار		جمع	
	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن	کل	زن
دانشگاه آزاد اسلامی	۲۴	۴۶۹	۱۸	۵۴۰	۸۱۶	۵۳۸۴	۳۸۸۲	۱۵۵۱	۱۳۱	۴۴۷	۴۸۷۱	۲۲۳۵۱		
	تمام وقت						۱							
	حق التدریس	۱۲	۱۷۸	۲۰	۲۲۱	۲۲۳	۱۸۷۸	۴۲۰۲	۲۰۲۲	۸۰۳	۲۷۰۵	۲۹۸۰۸	۲۵۲۰۲	
جمع	۳۶	۶۴۷	۳۸	۷۶۱	۱۰۳۹	۷۲۶۲	۸۰۸۴	۳۵۷۳	۹۳۴	۳۱۵۲	۳۴۶۷۹	۴۷۵۵۳		
غیردولتی- غیرانتفاعی	۱	۷۶	۱	۶۷	۴۲	۵۱۶	۲۷۱	۱۲۸۰	۶	۳۸	۳۲۱	۱۹۷۷		

٧٤٥٤	١٥٥٤	١٩٣	٦٥	٦١٧٣	١٤٠٥	٨٦١	٧٠	١٢٧	٥	١٠٠	٩	حق التدريس	
٩٤٣١	١٨٧٥	٢٣١	٧١	٧٤٥٣	١٦٧٦	١٣٧٧	١١٢	١٩٤	٦	١٧٦	١٠	جمع	
٥٦٩٨٤	٣٦٥٥٤	٣٣٨٣	١٠٠٥	٤٣١٨ ٤	٩٧٦٠	٨٦٣٩	١١٥١	٩٥٥	٤٤	٨٢٣	٤٦	جمع كل	

کیفیت آموزش عالی

سیاستهای ملی و چارچوب قانونی

ارزیابی کیفیت آموزش عالی یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در طی سه دهه اخیر پس از انقلاب اسلامی بوده است.

شورایی مسئولیت نظارت بر انجام این مأموریت را برعهده داشته است. عنوان این شورا در دهه ۶۰ «شورای نظارت و سنجش آموزش» بود و در حال حاضر «شورای نظارت و ارزیابی آموزش عالی» است.

مراجع ذی صلاح و نهادها

هیأت‌هایی زیر نظر شورای یاد شده به دانشگاهها اعزام و از طریق فرم‌هایی، کیفیت آموزش عالی در آنها مورد بازدید و ارزیابی قرار می‌گرفته است. در خود دانشگاهها واحدهای نظارت و سنجش آموزش (در حال حاضر دفاتر نظارت و ارزیابی) به اجرای این مأموریت کمک می‌کرده‌اند. ارزیابی دانشجویان از کلاس‌های درسی و اعضای هیأت علمی نیز زیر نظر این دفاتر صورت می‌گرفته است. حیطه‌های ارزیابی عبارت بوده‌اند از:

۱. رعایت ضوابط و معیارها در مؤسسات آموزش عالی
۲. پیشرفت تحصیلی دانشجویان
۳. حسن اجرای آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی
۴. بازده سرمایه‌گذارهای آموزش عالی
۵. برنامه‌های آموزشی و درسی
۶. وضعیت و امکانات آموزشی و پژوهشی مؤسسات و هیأت علمی آنها
۷. امور دانشجویی و رفاه آنها
۸. توانایی‌های دانش‌آموختگان و کارایی اجتماعی آنها

لازم به ذکر است که یکی از وظایف «دفتر نظارت و ارزیابی وزارت» همکاری با «مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی» در خصوص تعیین ضوابط و انتخاب معیارها و روشهای مناسب ارزیابی برنامه‌های آموزش عالی و سنجش کیفیت عملکرد واحدهای آموزشی بوده است.

همچنین از طریق «سازمان سنجش آموزش کشور» که وظیفه انجام آزمونهای ورودی دانشگاه را برعهده دارد، فعالیت‌های ارزیابی درونی در گروههای آموزشی دانشگاهها پشتیبانی

می‌شده است. تا پس از آن، ارزیابی‌های بیرونی توسط تیمی متشکل از دانشگاهیان و سایر ذی‌نفعان نیز انجام پذیرد و زمینه‌های اعتبارسنجی آموزش عالی فراهم بیاید.

اقدامات معطوف به تضمین کیفیت آموزش عالی

از اردیبهشت ۱۳۸۶، شورای آیین‌نامه تشکیل و نحوه فعالیت شورای نظارت و ارزیابی آموزش عالی در دور جدید آن، به تصویب وزیر علوم، تحقیقات و فناوری رسیده است. این شورا در اجرای وظایف نظارتی مذکور در بندهای ۵ و ۶ جزء ب ماده ۲ قانون وزارتی تشکیل می‌شده است. الگوی مبنایی برای ارزیابی آموزش عالی از طریق این شورا، الگویی تلفیقی شامل خودارزیابی و ارزیابی بیرونی است. محور اصلی ارزیابی مبتنی بر خود ارزیابی توسط واحدهای آموزشی و پژوهشی است و در عین حال از روش ارزیابی بیرونی و بازدیدهای دوره‌های منظم توسط گروههای تخصصی نیز بهره گرفته می‌شود.

ارکان نظام نظارت و ارزیابی آموزش عالی

ارکان نظام نظارت و ارزیابی آموزش عالی در این آیین‌نامه عبارتند از:

۱. شورای نظارت و ارزیابی آموزش عالی

برای تدوین سیاستها، تعیین اصول و عوامل مورد ارزیابی، رویه‌های نظارتی و اتخاذ تصمیمات و تدابیر لازم مبتنی بر نظارت و ارزیابی کیفیت آموزش عالی

۲. شورای هماهنگی نظارت و ارزیابی آموزش عالی

برای ایجاد هماهنگی بین کلیه فعالیت‌های نظارتی و ارزیابی واحدهای مختلف وزارتی، کمک به اجرایی کردن سیاستها و برنامه و بررسی گزارش‌های ارائه شده از مؤسسات و ارائه به شورای نظارت و ارزیابی آموزش عالی

۳. دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی

برای انجام وظایف دبیرخانه‌ای شورای نظارت و ارزیابی آموزش عالی

۴. کارگروههای نظارت و ارزیابی

برای هدایت و اجرای برنامه‌های نظارت و ارزیابی در مؤسسات و تعامل با آنها و ارائه راهکارها (این کارگروهها شش حوزه ۱. مؤسسات دولتی، ۲. غیرحضوری/ پیام نور ۳. علمی - کاربردی ۴. آزاد اسلامی، ۵. غیردولتی و غیرانتفاعی و آزاد و ۶. مؤسسات آموزش عالی

وابسته به سایر دستگاههای اجرایی را دربر می‌گیرد)

۵. هیأت‌های نظارت و ارزیابی استانی

برای کمک به انجام نظارت و ارزیابی بر کلیه مؤسسات آموزش عالی در سطوح استانی کشور و ارائه گزارشهای مستمر و پیشنهادهای و راهکارهای لازم (محوریت هر هیأت استانی را یکی از دانشگاههای بزرگ آن استان برعهده دارد)

فرایند نظارت و ارزیابی

فرایند نظارت و ارزیابی در آموزش عالی ایران به این صورت است که

۱. دفاتر نظارت و ارزیابی مؤسسه، گزارشهای شش ماهه به دفتر نظارت و ارزیابی وزارتی ارسال می‌کند.
۲. گروههای بازدید کننده توسط هیأت‌های نظارت و ارزیابی استانی به مؤسسات اعزام و نتایج بازدید آنها گزارش می‌شود.
۳. گروههای بازدید کننده توسط دفتر نظارت و ارزیابی به مؤسسات اعزام و نتایج بازدید آنها گزارش می‌شود.

نظام اطلاعات آموزش عالی

یکی از زیرساختهای اساسی برای نظام ارزیابی آموزش عالی در ایران نظام اطلاعات آموزش عالی است که از طریق مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی در طی چند سال گذشته در حال توسعه است. ایجاد پرتال و تعریف و تعیین ارقام ثبتی آموزش عالی، این امکان را به وجود می‌آورد که پایش ملی آموزش عالی میسر بشود و با استفاده از این زیرساخت اطلاعاتی، شورای نظارت و ارزیابی آموزش عالی مأموریت‌های خود را به نحو مطلوب و روزآمد و کارآمد متحقق سازد.

سایر فعالیتها

نمونه‌ای از سایر فعالیت‌هایی که برای تضمین کیفیت آموزش عالی در ایران علاوه بر فرایندهای یاد شده صورت می‌گیرد عبارتند از:

- I. هیأت‌های ممیزه از طریق آیین‌نامه ارتقا به ارزیابی کیفیت عملکرد هیأت علمی می‌پردازند.
- II. شاخصهای ارزیابی آموزش عالی هم از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی و هم از طریق وزارت تدوین شده تا مبنایی برای ارزیابی آموزش عالی و نظام علمی قرار بگیرد.

این شاخصها حیطه‌های زیر را در بر می‌گیرد:

۱. بافت دانشجویی و پذیرفته‌شدگان،

۲. آموزشی

۳. پژوهشی

۴. امور دانشجویی

۵. امور فرهنگی و اجتماعی

۶. عمرانی

۷. اداری و مالی

III. نظامی برای ارزیابی عملکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طراحی شده است که در ۷

حوزه ۱. هیأت علمی ۲. دانشجویان ۳. برنامه‌ها و فعالیتهای آموزشی و پژوهشی ۴. هزینه و

بودجه ۵. امکانات و تجهیزات آموزشی، کمک آموزشی و رفاهی ۶. دانش‌آموختگان و ۷.

سایر شاخصهای کیفی صورت می‌گیرد.

IV. شاخصها و نرم‌افزاری شامل اوزان و نحوه محاسبات برای رتبه‌بندی دانشگاهها به منظور

ارتقای رتبه آنها در رتبه‌بندی‌های منطقه‌ای (و جهان اسلام) و در سطح بین‌المللی از سوی

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی طراحی و تدوین شده است و بخشی از مراحل

اجرایی آن به عمل درآمده است.

مدیریت آموزش عالی در ایران^۱

مسائل مربوط به سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی و نظارت و ارزیابی در نظام آموزش عالی، در سه سطح فرابخشی، بخشی و دانشگاهی به شرح زیر انجام می‌شود.

الف: سطح ملی یا فرابخشی

• **مجلس شورای اسلامی** به مثابه عالی‌ترین نهاد قانونگذاری، به تمهید بخشی از مسائل آموزش عالی در عرصه ملی می‌پردازد.

• **هیأت دولت**، از طریق تدوین برنامه‌های توسعه ملی و از جمله تأمین و اختصاص منابع مالی نظام آموزش عالی نقش مؤثری در پیشبرد اهداف این بخش ایفا می‌کند. علاوه بر آن تصویب بخشی از آیین‌نامه‌های اداری و اجرای مربوط به این بخش را نیز برعهده دارند.

• **شورای عالی انقلاب فرهنگی**: همان‌گونه که از عنوان آن مشهود است، بیشتر بر امور فرهنگی سیاستگذاری‌های این بخش تمرکز دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

* گسترش و نفوذ فرهنگ اسلامی؛

* اعتلای فرهنگ عمومی؛

* تحولات فرهنگی نظام دانشگاهی؛

* تصویب ضوابط کلی پذیرش مدیران، اعضای علمی و دانشجویان؛

* تصویب نامزدان پیشنهادی ریاست دانشگاهها و ...؛

ب - سطح بخشی

با توجه به جدایی آموزش عالی علوم پزشکی از سایر آموزشهای این بخش، سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های بخش در هر یک از زیربخش‌ها برعهده وزیر مربوط می‌باشد. در عین حال مصوبات هیأت‌های امنای دانشگاهها و مراکز آموزش عالی پس از تأیید نهایی این دو وزارت قابلیت اجرایی می‌یابند. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، علاوه بر برخورداری از معاونت‌های مختلف در حوزه ستادی خود، برای تصمیم‌گیری‌های سیاستی و برنامه‌ریزی خود از شوراهایی نیز برخوردارند که اسامی آنها عبارتند از:

• شورای گسترش آموزش عالی؛

^۱. Governance of Iranian Higher Education

- شورای عالی برنامه‌ریزی
- شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته‌های پزشکی،
- شورای مرکزی بورس
- شورای هدایت استعدادهای درخشان
- شورای نظارت و ارزیابی آموزش عالی
- شورای قطب‌های علمی کشور

مدیریت دانشگاهی

مدیریت و تصمیم‌گیری در سطح دانشگاهی عمدتاً برعهده دانشگاهها و مراکز آموزش عالی است. هیأت‌های امناء عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در این سطح نهادی به شمار می‌روند. رؤسای دانشگاهها و شوراهای دانشگاهی، مسئولیت مدیریتی نهادهای دانشگاهی و مراکز آموزش عالی را برعهده دارند. برخی از مهم‌ترین شوراهای دانشگاهی عبارتند از:

- شورای دانشگاه؛
- شوراهای تخصصی دانشکده‌ها و آموزشکده‌ها؛
- شورای گروه آموزشی؛
- هیأت رئیسه و شوراهای تخصصی.

چالش‌های پیش روی آموزش عالی ایران

چالش‌های پیش روی آموزش عالی ایران را می‌توان در دو سطح رده‌بندی کرد. سطح نخست چالش‌هایی است که ناشی از وضعیت کنونی و جهت‌گیری‌هایی است که به نوعی در برنامه‌های توسعه ملی بازتاب یافته است. سطح دوم چالش‌های ناشی از محیط جهانی است. در مجموع این چالش‌ها را می‌توان حول سه محور پیش‌بینی کرد.

الف. چالش‌های رقابت محور: بر خلاف دیدگاه اقتصاد زده جهانی صرفاً دربرگیرنده مناسبات عرضه و تقاضای مهارت‌ها در عرصه داخلی و جهان کار نیست. به سخنی روش‌تر صرفاً به عرصه اقتصادی محدود نمی‌شود بلکه گستره فراخ‌تری را پوشش می‌دهد که دربرگیرنده تحولات یادگیری - آموزشی است.

مهم‌ترین این چالش‌ها را می‌توان چنین فهرست کرد:

- روزآمدسازی فلسفه آموزش و آموزش عالی بر مبنای تفاهم و خرد جمعی؛
- تغییر فرهنگ یادگیری، با تأکید بر توسعه تمامیت فردی؛
- تمرکززدایی در سطح نهادهای آموزش عالی؛
- بهبود مدیریت منابع آموزشی و انسانی؛
- تنوع بخشی به نهادهای آموزشی و ایجاد سیستم چند پایه آموزش عالی؛
- ایجاد توازن میان کار ویژه های دانشگاه؛
- شناور شدن در محیط بین الملل؛
- ساماندهی به آموزش باز و از راه دور؛
- ارتقا تضمین کیفیت؛

ب - چالش های مالی - محور: منظور از اصلاحات مالی محور منطبق سازی کشور با واقعیت های «ساختاری» اقتصاد جهانی، یا «تعدیل ساختاری» نیست که به اجرای فرمول های مقررات زدایی و خصوصی سازی محدود می شود، بلکه این چالش ها از منظر دیگری پایش شده اند که عبارتند از:

- تأمین و تخصیص منابع مالی لازم متناسب با گسترش کمی آموزش عالی به گونه ای که به ایجاد فرصت های برابر بیانجامد.
- تخصیص بهینه منابع مالی با رعایت اصول اثربخشی و عدالت - محور؛
- افزایش شفافیت در هزینه ها و درآمدهای آموزش عالی بر مبنای اهداف روشن و شفاف؛
- ایجاد تمهیدات و سازوکارهای لازم برای تعیین سهم دانشجو و خانواده او در تأمین منابع مالی آموزش عالی؛

- مشخص ساختن نقش و سهم بخش خصوصی در آموزش عالی با تعریف دقیق آن؛

پ - چالش های عدالت - محور: چالش های عدالت محور از اجرای اصل تساوی افقی و عمودی سرچشمه می گیرند. منظور از اصل تساوی افقی این است که افراد با وضعیت [اقتصادی - اجتماعی] مشابه از امکانات و یارانه های مشابهی برخوردار شوند. منظور از تساوی عمودی، کاربست سیاست های هزینه ای، مالیاتی و یارانه ای به گونه ای است که با افراد ناهمسان [از نظر اقتصادی و اجتماعی] به گونه های مناسب مختلف رفتار شود. به سخنی روشن تر، توزیع یارانه ها در بخش آموزش عالی به گونه ای انجام شود که اقشار محروم تر سهم بیشتر و متناسب با وضع اقتصادی شان داشته باشند.

لازم به یادآوری است، که اندیشه پردازان و برنامه ریزان آموزش عالی ایرانی، با تأمل و کند و کاو

فراوان تحولات جهانی، به ویژه پدیده «جهانی شدن» که در عرصه آکادمیک از آن به عنوان «بین‌المللی شدن» یاد می‌شود به دقت پایش و دنبال می‌کنند. و هم صدا با برخی اندیشه‌پردازان در عرصه جهانی بر این باورند که بدون داشتن فهم درست و روشنی از این مفاهیم و پدیده‌ها، وارد شدن به عرصه کنش نیازمند پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- به سود چه کسی آموزش عالی باید بین‌المللی شود؟
- برای چه هدفی آموزش عالی بین‌المللی شود؟
- چرا بین‌المللی شدن باید به مثابه دستور کار اصلی دانشگاه معاصر قرار گیرد؟
- آیا بین‌المللی شدن برای دانشجویان و سایر ذینفعان جامعه اهمیت دارد؟
- هدف وجودی دانشگاه‌های کنونی چیست؟
- ما به چه نوع آموزشی دانشگاهی باید باور داشته باشیم و خود را نسبت به آن متعهد بدانیم؟

منابع مالی آموزش عالی

اعتبارات فصل آموزش عالی در برگزیده بودجه هزینه‌ای، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، درآمد اختصاصی و تسهیلات نظام بانکی است.

بررسی اعتبارات اختصاص یافته و عملکرد فصل آموزش در برنامه سوم توسعه بیانگر رشد سرمایه‌گذاری در این بخش بوده است. به گونه‌ای که عملکرد کل اعتبارات در سال ۱۳۷۹ ۴,۲۷۵,۳۵۲ ریال بوده که با رشد متوسط سالانه ۲۷ درصد به ۱۱,۲۱۷,۳۱۹ میلیون ریال در سال پایانی برنامه رسیده است.

طبق آخرین داده‌های آماری مربوط به سال ۱۳۸۶، کل اعتبارات مصوب بخش دولتی آموزش عالی در بودجه این سال، ۲۳,۷۰۲ میلیارد ریال بوده است که ۶۰ درصد آن ماهیت هزینه‌ای، ۴ درصد مربوط به تحقیقات دانشگاهی و توسعه فناوری، ۱۲ درصد، مربوط به تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و ۲۸ درصد از منابع به درآمدهای اختصاصی تعلق داشته است.

در جدول شماره ۱۷ آخرین وضعیت بودجه مصوب بخش دولتی آموزش عالی به تصویر کشیده شده است.

^۱. نرخ تبدیل ریال به دلار = ۱ دلار = ۹۵۰۰ ریال است.

جدول ۱۷- اعتبارات دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی بخش آموزش عالی

در قانون بودجه سال ۱۳۸۶

(ارقام به میلیارد ریال)

شرح	اعتبار هزینه ای از درآمد عمومی (الف)	تحقیقات دانشگاهی و توسعه فناوری* (ب)	تملك دارایی های سرمایه ای (ج)	درآمد اختصاصی (د)	جمع کل (الف + ج + د)	سهم (درصد)
مراکز وابسته به وزارتخانه ها و سازمان های دولتی	۴۶	۵	۱۴	۱۷۰	۲۳۰	۱
مراکز وابسته به وزارت علوم	دانشگاه ها	۶۶۰	۲۰۳۴	۴۶۵۸	۱۴۰۴۳	۶۱
	ردیف های ستادی	۱۰۹۲۶	۸	۲۵۸۹	۳۰۵۸۵	۱۵
	جمع کل	۹۰۶۷۷	۶۶۸	۲۰۲۹۳	۱۸۰۲۸	۷۶
مراکز وابسته به وزارت بهداشت	دانشگاه ها	۳۰۷۰۴	۲۳۸	۵۷۹	۴۰۵۵۳	۱۹
	ردیف های ستادی	۷۱۷	۰	۴	۸۹۱	۴
	جمع کل	۴۰۴۲۱	۲۳۸	۵۸۳	۴۴۰	۲۳

جمع بندی

همان گونه که ملاحظه می شود، بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در ایران با روند رو به رشدی همراه بوده است. به لحاظ نظری، اندیشه پردازان، تصمیم گیران و برنامه ریزان ایرانی به این اتفاق نظر دست یافته اند که در عصر حاضر، دانش به مثابه اصلی ترین عامل ارزش آفرینی در عرصه جامعه تلقی می شود. روشن است که منظور از ارزش آفرینی محدود به عرصه اقتصادی نیست، بلکه عرصه های مهم تر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را نیز دربر می گیرد. بر مبنای چنین درکی بود که، قانون پنج ساله چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) کشور، توسعه مبتنی بر دانایی^۱ نام گرفت که هم اکنون در سال پایانی این برنامه قرار داریم. اصول راهنمایی که برای تدوین برنامه پنجم توسعه در نظر گرفته شده که در امتداد اهداف برنامه چهارم قرار دارد به نکات زیر تأکید می ورزد:

الف- اصول کلی

۱- عرصه ملی برنامه های توسعه

با توجه به عرصه «ملی» برنامه های توسعه و ضرورت حفظ منافع ملی و تأکید بر آن، لازم است که در تدوین این گونه برنامه ها، از حاکمیت بخشی نگرى خودداری کرد.

^۱ Knowledge – based Development

۲- استمرار و پایداری برنامه‌های توسعه

با توجه به بلند مدت بودن فرایند توسعه، برنامه‌های توسعه‌ای لازم است در امتداد یکدیگر و بر مبنای چشم انداز بلند مدت [۱۰ تا ۲۰ ساله] و به گونه‌ای طراحی و تدوین شوند که موجب پایداری حرکت توسعه‌ای بر مبنای برنامه‌های پیشین باشد. در عین حال، این برنامه‌ها باید با توجه به اصل «آینده اندیشی» به پایداری حرکت توسعه‌ای در برنامه‌های آینده بیانجامد.

۳- مشارکت پذیری نقش آفرینان و ذینفعان

هرگونه برنامه‌ای، بویژه برنامه‌های ملی توسعه، زمانی به موفقیت دست خواهند یافت که ضمن مشخص بودن نقش آفرینان اصلی و ذینفعان، زمینه مشارکت آنان را در مراحل، طراحی، تدوین، اجرا و نظارت و ارزیابی فراهم ساخت. برای تحقق این اصل، شکل‌گیری «هسته‌های خط دهنده»^۱ ضروری به نظر می‌رسند. بدیهی است که این هسته‌ها، که کارویژه اصلی‌شان تنظیم «برنامه‌های اجرایی»^۲ است، زمانی به درستی انجام می‌شود که فرایند برنامه‌ریزی از «پایین به بالا»^۳ را رعایت کنند؛ به این ترتیب «برنامه‌های اجرایی» در برگیرنده تمایلات و خواسته‌های تمامی بازیگران و ذینفعان می‌باشد.

۴- تبیین بخش عمومی و خصوصی

تجربه‌های موفق برنامه‌های توسعه در جهان بیانگر این نکته است که هدف برنامه‌های توسعه نمی‌تواند با «دولتی کردن» اقتصاد همسو باشد؛ چرا که مفهوم توسعه خود بیانگر وجود و شکل‌گیری محیط و فضای باز و آزاد برای شکوفایی خلاقیت و نوآوری در تمامی افراد یک جامعه متکثر است.

اما، نباید از نظر دور داشت که در تدوین این گونه برنامه‌ها مشخص ساختن وظایف بخش عمومی از بخش خصوصی و تأمین و توزیع عادلانه کالاهای عمومی که از جمله اصلی‌ترین کارویژه دولت- ملت‌هاست^۴، نیز ضروری به نظر می‌رسد. این موضوع به ویژه در کشورهای در حال توسعه، که

^۱- Core Planning

^۲- Action plan

^۳ Bottom-up

^۴- Nation- State

برخی دولتها به دلیل پاسخگو نبودن، با عنوان پرطمطراق «خصوصی سازی» کارویژه‌های خود را بر دوش مردم می‌گذارند از ضرورت بیشتری برخوردار است.

۵- برنامه‌ریزی اقتضایی^۱ و هسته‌های خط دهنده

ویژگی‌های عصر حاضر نظیر جهانی شدن، سرعت شتابان تغییرات، افزایش فزاینده اطلاعات و دانش بشری، اصل عدم قطعیت^۲، نظریه هرج و مرج منظم^۳، از یک سو، و ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه نظیر، در دسترس نبودن داده‌ها و اطلاعات روزآمد و تفصیلی، عدم برخورداری از نیروی انسانی متخصص و کارآمد، تحولات سیاسی-اجتماعی پرفراز و نشیب، بی‌ثباتی، عدم پایداری مدیریت‌ها، التهابات ناشی از آن و ... همگی بیانگر امکان ناپذیر بودن طراحی و تدوین «برنامه جامع و فراگیر» است.

به علاوه، تجربه‌های دیگر ملتها بویژه در سده پیشین نیز بیانگر این واقعیت است که «در عمل حتی یک تجربه موفق برنامه‌ریزی توسعه در سطح جهان وجود ندارد و برنامه‌ریزی جامع توسعه عملاً نوآوری و خلاقیت را حذف و اقتصاد را دولتی و بازدهی را محدود می‌کند و نهایتاً راه توسعه را سد می‌کند (Waterson, 1966)». این نتیجه‌گیری که در پی مطالعه تجربه برنامه‌های توسعه در بیش از ۱۰۰ کشور جهان، انجام شده است، راه را برای دگراندیشی در مورد برنامه‌های توسعه و بهره‌گیری از «برنامه‌ریزی اقتضایی» و تشکیل «هسته‌های خط دهنده» به مثابه موتور برنامه‌های توسعه و برنامه‌های اجرایی باز می‌کند.

۶- اجماع ملی و مشارکت مؤثر و واقعی اندیشه پردازان جامعه

نیازی به توضیح نیست که موفقیت آمیز بودن یک برنامه توسعه، از جمله، زمانی امکان پذیر می‌شود که تا حد ممکن با اجماع و تفاهم ملی انجام پذیرد. این کار اگر چه دشوار به نظر می‌رسد اما شاید ساده‌ترین راه دستیابی به آن بهره‌گیری از خرد جمعی اندیشه پردازان جامعه، به ویژه از طیف‌های فکری مختلف باشد.

در این رابطه، برای نزدیک سازی «اندیشه» و «کنش» بهره‌گیری از ترکیبی از پژوهشگران

^۱-Contingency planning

^۲- Uncertainty

^۳- Chaos Theory

^۴- Idea & action

آکادمیک و کنش‌گران عرصه‌های مدیریتی، از دو بخش خصوصی و دولتی و همچنین کنش‌گران عرصه جامعه مدنی، نظیر سازمان‌های غیر دولتی و انجمن‌های علمی راه را برای دستیابی به اجماع ملی هموار می‌سازد. مشروط بر آنکه تصمیم‌گیری نهایی بر عهده متخصصین و اندیشه پردازان جامعه باشد.

۷- چارچوبهای حقوقی و تشکیلات متناسب

امور مربوط به توسعه که در بالا به برخی از آنها اشاره شد، ویژگیها و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و از چارچوبهای حقوقی، ساختاری و حتی مالی خاصی برخوردار است که آن را از سایر امور حکومتی و دولتی متمایز می‌سازد. بنابراین، ایجاد و یا توسعه چارچوبهای حقوقی و ساختارهای انعطاف پذیر، باز و برخوردار از پیوندهای نرم که بتواند به تمشیت امور توسعه پردازد، امری ضروری بنظر می‌رسد.

۸- درامان نگه‌داشتن برنامه‌ریزی توسعه از فراز و نشیب‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

در عرصه کنش، رعایت چنین اصلی به ظاهر دور از دسترس و امکان‌ناپذیر به نظر می‌رسد، چرا که، فرازونشیب‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به ویژه در کشورهای توسعه نیافته از فراوانی بسیاری برخوردارند و نوسانات ناگهانی علاوه بر این که موجب کندی فرایند توسعه می‌شوند، در واقع جزء جدایی‌ناپذیر و ذاتی توسعه نیافتگی نیز به شمار می‌آیند. در عین حال، چنانچه ملت-دولتی اراده کند که خود را از توسعه نیافتگی برهاند، گریزی نیست جز رعایت اصولی از این دست که در واقع پارادوکس توسعه در چنین کشورهایی به شمار می‌آید.

۹- «شفافیت» و تفکیک عرصه‌های مسئولیت، کنش و پاسخگویی

رعایت اصل شفافیت، اگرچه به ویژه در کشورهای در حال توسعه، چندان آسان به نظر نمی‌رسد، در عین حال، کاربست آن یکی از کلیدی ترین عوامل برای رهایی از توسعه نیافتگی، و در نتیجه ضرورتی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه است. منظور از شفافیت به طور چکیده رعایت مسایل زیر است.

- شفافیت در فرایند طراحی و تدوین برنامه: (اطلاع‌رسانی همگانی، انجام فراخوان، مشارکت‌پذیری، دگرپذیری و ...)

^{۱۰} Transparency

• شفافیت در واژه پردازی و نگارش متن برنامه: متن برنامه لازم است خالی از هرگونه ابهامی باشد. بنابراین، در واژه پردازی آن لازم است نهایت دقت به عمل آید تا به هنگام به اجرا در آوردن نظارت و ارزیابی دچار چندگانگی و برداشت نادرست نشود. نگارش واژه نامه ای در ابتدای آن راه را نه تنها برای تدوین کنندگان بلکه برای مجریان، ناظران و ارزیابان نیز هموار می سازد.

• شفافیت در عرصه مسئولیت‌ها: لازم است در تدوین برنامه، حیطة مسئولیت، کنش و پاسخگویی هر نهاد. سازمان یا دستگاه به روشنی تبیین شود تا برنامه عمل، حس مسئولیت، پاسخگویی و پاسخ‌جویی دچار خدشه نشود.

۱۰- نقش هسته‌های برنامه‌ریزی

از آنجا که در گذشته، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به مثابه دبیرخانه برنامه‌های توسعه کشور، نقش حساسی را ایفا می کرد، با انحلال این سازمان این وظیفه نیز می‌تواند میان سایر نهادها توزیع شود. در این میان «هسته‌های برنامه‌ریزی» دست کم به لحاظ بخشی می‌توانند بخشی از وظایف پیشین سازمان را برعهده بگیرند.

به نظر می رسد، در این رابطه مهم‌ترین نقشی که این هسته می‌تواند ایفا کنند، بهره‌گیری از خرد جمعی در سطح ملی و تقویت هم‌کنشی و مشارکت‌پذیری دیگر نهادها و سازمانهای ذینفع در فرایند تدوین و طراحی برنامه‌های بخشی است. اگرچه این هسته‌ها در حین اجرای برنامه نیز می‌توانند دبیرخانه درون بخشی برنامه به شمار آیند و به پایش و ارزیابی فعالیت‌ها بپردازند.

ب- اصول ویژه بخشی

علاوه بر اصول کلی یادشده که به نظر می رسد رعایت آنها می‌تواند به بهینه‌سازی فرایند طراحی و تدوین برنامه‌های توسعه ملی کمک کند، اصول راهنمای ویژه‌ای را نیز می‌توان برای طراحی و تدوین برنامه توسعه علوم، تحقیقات و فناوری/بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری برشمرد.

لازم به یادآوری است، که اصول ویژه بخش علوم، تحقیقات و فناوری، به دلیل نقشی که در کارویژه نهادهای تولید، توزیع، انتشار و ترویج دانش دارند، و اساساً گذر فرایند توسعه از مسیر توسعه علمی، مورد توجه قرار دادن آنها به هنگام طراحی و تدوین برنامه این بخش، نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

۱- کارویژه‌های حوزه ستادی

باتوجه به ماده ۹۹ قانون برنامه سوم، و ماده ۱ قانون «اهداف وظایف و تشکیلات وزارت عتف (و

اسناد پشتیبان آن) کارویژه اصلی وزارت یاد شده در سه قلمرو به شرح زیر خلاصه می شود. بنابراین، در برنامه پنجم توسعه لازم است که برنامه های حوزه ستادی بخش علوم، تحقیقات و فناوری باتوجه به این سه کار ویژه طراحی و تدوین شوند.

- تدوین سیاستها، اولویتها و برنامه های کلان ملی و راهبردی؛
- ایجاد زمینه، ظرفیت سازی، حمایت و پشتیبانی؛
- نظارت و ارزشیابی.

۲- نوسازی رفتار سازمانی

با توجه به تغییرات رویکردی، [تغییر رویکرد فرهنگی به رویکرد علمی]، تغییرات ساختاری، و کارویژه ای بازتاب یافته در اسناد قانونی نظیر قانون جدید وزارت عتف، برنامه سوم و چهارم توسعه، لازم به نظر می رسد که نقش تصدی گری از وظایف برنامه ای حذف یا کاهش یابد و در عوض مدیریت راهبردی دولت و تأکید بر وظایف بخش عمومی در قلمرو علم و یا آموزش عالی مورد تقویت قرار گیرد.

۳- استقلال دانشگاهی^۱ و آزادی آکادمیک^۲

از آنجا که ادبیات مربوط به توسعه علمی، شرط کارآمدسازی نهادهای علمی را به برخورداری از دو مفهوم «استقلال دانشگاهی» و «آزادی علمی» پیوند می زند، برنامه های این بخش لازم است به گونه ای طراحی و تدوین شوند که نه تنها به این اصول خدشه وارد نیابند که موجب تقویت و توسعه آنها نیز شوند.

۴- توانمند سازی ساختاری و سازمانی حوزه ستادی

با توجه به اهداف و کارویژه های مندرج در قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و هدف های علمی بلند پروازانه چشم انداز ۲۰ ساله، وزارت عتف به مثابه یکی از مهم ترین کنشگران عرصه ملی، اهداف و وظایف سنگینی را بر دوش خواهد داشت که نیاز به «توسعه سازمانی»^۳ در این سازمان را افزایش می دهد. بنابراین گنجانیدن این مفاهیم در برنامه پنجم این بخش به نحوی که به توانمندسازی ساختاری و سازمانی این وزارت بیانجامد، ضروری به نظر می رسد.

^۱- Academic Autonomy

^۲- Academic Freedom

^۳- Organizational Development

۵- مقررات زدایی^۱ و آزاد سازی^۲

تغییرات پیاپی ایجاد شده در نظام علوم، تحقیقات و فناوری که در پی گسترش نظام آموزش عالی ایران انجام گرفته، از یک سو، و تغییرات ساختاری ایجاد شده در حوزه ستادی، از سوی دیگر، به مثابه بایسته‌های تغییر از درون سیستم، و تغییرات ایجاد شده در عرصه جهانی نظیر پدیده جهانی شدن و پیامدهای آن به نظام‌های دانشگاهی، بین‌المللی شدن^۳ دانشگاهها، تجاری سازی آموزش عالی در جهان سرمایه‌داری و بالاخره پیدایش سپهرهای نو و کنش‌گران نوین در این عرصه و ...، به مثابه بایسته‌های تغییر از فراسیستم جهانی، لزوم بازنگری و تغییر در قوانین، مقررات، فرایندها را گریزناپذیر ساخته است.

وانگهی، انباشت قوانین و مقرراتی که در طول دهه‌ها بر مبنای گفتمانها و رویکردهای پیشین نظیر رویکرد فرهنگی، تمرکزگرایی، تصدی‌گرایی، تدوین شده‌اند، موجب بروز تناقضات قانونی و مقرراتی و در نتیجه احتمالاً سردرگمی تصمیم‌گیران و مجریان این قلمرو شده است. بنابراین، باتوجه به گرایشهای توسعه‌ای مبتنی بر دانش، بازتاب یافته در سند چشم‌انداز و برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، برنامه پنجم این بخش لازم است به گونه‌ای تدوین شود که ضمن در نظر گرفتن ملاحظات یادشده، و به کاهش رساندن مقررات دیوانسالارانه دست و پاگیر، چه در عرصه ستادی و چه در قلمرو نظام دانشگاهی، موجب روان سازی و بهسازی هرچه بیشتر فرایندها در این نظام شود.

۶- خصوصی سازی^۴ ایجاد فرصتهای برابر در دسترسی

در پی شکل‌گیری اراده سیاسی در کشور مبنی بر پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی که رواج خصوصی سازی را در بخش‌های مختلف نشانه گرفته، به نظر می‌رسد وضعیت نظام آموزشی کشور و بویژه زیرسیستم آموزش عالی در این خصوص در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. بنابراین، روشن شدن وضعیت این نظام در فرایند یادشده ضروری به نظر می‌رسد. برای روشن شدن این وضعیت لازم است یک بار برای همیشه و با اجماعی ملی به چهار پرسش زیر که بسیار فراتر از بحث خصوصی سازی است پاسخ گفت و چرا که در واقع، پاسخ به آنها لازمه امر برنامه‌ریزی در این زمینه است:

۱- آموزش عالی برای چه؟

^۱- Deregulation

^۲- Liberalization

^۳- Privatiation

۲- آموزش عالی برای که؟

۳- چه کسی و/ یا کسانی از برون‌دادها و پیامدهای آن بهره می‌برند؟

۴- چه کسی و/ یا کسانی باید منابع مالی آن را تأمین کنند؟

پاسخ گفتن به این چهار پرسش به ظاهر ساده، در واقع علاوه بر روشن ساختن اهداف و فلسفه آموزش عالی [و یا حتی آموزش]، جامعه هدف، ذینفعان و بالاخره پر بحث ترین موضوع یعنی تأمین کنندگان منابع مالی آن را مشخص تر خواهد ساخت.

وانگهی، هرگزینه ای را که برای پاسخ به پرسشهای چهارگانه بالا برگزینیم، لازم است که در برگیرنده: تضمین و ارتقا کیفیت، مشارکت ذینفعان، رقابت پذیری و پاسخگویی باشد. به علاوه، برخورداری از اثرات بیرونی بازده های اجتماعی آموزش و آموزش عالی و اثرات و پیامدهای مثبت آن نظیر « عدالت اجتماعی » زمانی امکانپذیر خواهد بود که اصل « ایجاد فرصتهای برابر در دسترسی » با سازوکارهای مناسب به اجرا درآید. اصلی که به مثابه بایسته‌ای بین‌المللی بر آن تأکید شده و مورد تأیید تصمیم‌گیران نظام نیز قرار گرفته است.^۱

۷- ماهیت جهانشمول علم^۲ / بین‌المللی شدن^۳ / سپهر مجازی^۴

اساساً علم همواره ماهیتی جهانشمول داشته و مرزهای آن فراتر از مرزهای جغرافیایی، سیاسی، عقیدتی بوده است. از این رو مشارکت در نظام تولید علم که گسترده‌ای جهانی دارد نیازمند برخورداری از رویکردی است که محیط بین‌الملل را، اگرچه محیطی چالش‌زاست، بیش از آنکه محیط تهدید به شمار آورد، محیط فرصت بپندارد. چنین رویکردی، مستلزم شناور شدن نهادهای تولید علم در سپهر جهانی شده علم است، تا شاید بتوان با غوطه‌ور شدن در چنین سپهری از فرصتهای رقابتی آن بهره‌گرفت.

لزوم برخورداری از چنین رویکردی، بویژه، در هزاره سوم که شاهد شکل‌گیری جوامع دانش^۱ و اقتصاد دانش^۲ هستیم و نیازمند برخورداری از نهادها و سازمانهای یادگیرنده^۳ است، به بایسته‌ای بدل شده است که گریز از آن، دست کم در شرایط کنونی نظم جهانی، ناممکن جلوه می‌کند.

۱ - برای آگاهی بیشتر نک: بیانیه جهانی آموزش عالی برای سده آینده

^۲- Universal nature of Science

^۳- Internationalization

^۴- Cyber- space

به علاوه گستره فراگیر سرسام آور فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) که به شکل گیری سپهر مجازی انجامیده، مفاهیم زمان، مکان و حتی کار را دگرگون ساخته است، ورود به چنین سپهری، اگرچه با ایجاد زیر ساختهای سخت افزاری، چندان دشوار نمی نماید، اما ایفای نقش کردن در آن به مثابه کنش گری پویا و تلاش گر، سخت نیازمند پذیرش و پذیرفته شدن در محیط علمی جهانی است. در عرصه نظام های دانشگاهی نیز، پدیده بین المللی شدن، امکان هم کنشی میان این نهادهای تأثیرگذار در سرنوشت بشری را افزایش داده است و انزوا در چنین محیطی جز به رکود علمی و عقب ماندن از فرایند توسعه پایدار، به هر روایت و رویکردی، نخواهد انجامید. بنابراین، لازم است در برنامه پنجم، تمهیدات، سازوکارها و برنامه هایی تدارک دیده شود که راه را برای ورود نهادهای تولید علم و فناوری در جهان باز کند.

۸- هم کنشی بخشی و فرابخشی

ماهیت علم به روایتی که در بالا یادآور شدیم، ماهیتی است جهانشمول و فراگیر. بنابراین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به مثابه متولی علوم، تحقیقات و فناوری و / یا آموزش عالی، تحقیقات و فناوری، با اهداف، کار ویژه ها و حتی محیط کنشی روبروست که خواسته یا ناخواسته، ماهیتاً جنبه های فرابخشی و گستره زیادی را می پوشاند. چرا که برخی از درون داده های این وزارت، حاصل کنش دیگر نهادها، به عنوان مثال، نظیر آموزش و پرورش و ... است؛ و برون داده ها و گاه حتی فرایندهای آن تأثیرگذار بر دیگر بخش های تولیدی و اقتصادی کشور است. برنامه ریزی برای نهادی با این ویژگی ها و انتظار اثربخشی و کارآمدی از آن نیازمند، طراحی و تدوین و اجرای برنامه های آن در هم کنشی و هماهنگی با تمامی نقش آفرینان و ذینفعان این عرصه است.

^۱- Knowledge Society

^۲- Knowledge Economy

^۳- Learning Organization